



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



# جستاری در مواجهات معنایه روحانیت و سینمای اجتماعه ایران

مهدی منتظر قائم و محمد جعفر اسفندیاری



**جستاری در مواجبات معنایی روحانیت و  
سینمای اجتماعی ایران**

**مهدی منتظر قائم - محمد جعفر اسفندیاری**



سرشناسه : اسفندیاری، محمدجعفر، ۱۳۶۷ -  
عنوان و نام پدیدآور : جستاری در مواجهات معنایی روحانیت و سینمای اجتماعی ایران/ مولف محمدجعفر اسفندیاری، مهدی منتظر قائم.  
مشخصات نشر : تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
مشخصات ظاهری : ۲۸۴ ص: جدول، نمودار.  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۱۴۵-۱  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع : سینما -- ایران -- نقد و تفسیر  
Motion pictures -- Iran -- Reviews  
موضوع : سینما -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
Motion pictures -- Religious aspects -- Islam  
شناسه افزوده : منتظر قائم، مهدی Mahdi, Montazer ghaem  
شناسه افزوده : پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ الف۵۹الف/۵/۱۹۹۳ PN  
رده بندی دیویی : ۷۹۱/۴۳۰۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۷۴۴۲۱

---

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
عنوان: جستاری در مواجهات معنایی روحانیت و سینمای اجتماعی ایران  
نویسندگان: مهدی منتظر قائم (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) - محمدجعفر اسفندیاری  
ویراستار: عبدالرحمان سرلک



پژوهشگاه اسناد و کتابخانه ملی  
دانشگاه تهران

صفحه‌آرا: حسین آذری  
طراح جلد: عباس صفایی مهر  
نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۷  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۲۰۰۰۰ هزار ریال  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۱۴۵-۱

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
سندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۰۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۰۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

هنر (۹) ○

---

## فهرست مطالب

سخن ناشر..... ۱

مقدمه..... ۳

### فصل اول: مبانی نظری تفسیر متن و مطالعات دریافت از رسانه‌های جمعی

هرمنوتیک و تفسیر متن..... ۹

زمینه‌ها و سویه‌های نظری پژوهش دریافت در مطالعات ارتباطی و رسانه‌ای ۲۹

نقش و جایگاه «سینمای اجتماعی» در مطالعات فیلم و مطالعات سینمای ایران... ۴۴

نتیجه‌گیری؛ در جست‌وجوی عوامل معناسازی مخاطبان از متون فیلمیک اجتماعی... ۵۸

### فصل دوم: سیر تطورات تاریخی، علمی و گفتمانی حوزه و روحانیت قم

تاریخچه و سیر تکوین حوزه و مدارس علمیه قم..... ۶۵

مدارس علمیه شیعه؛ ساختار و نظام تحصیلی..... ۷۸

جهان زیست و صورت‌بندی گفتمانی روحانیت در دوره معاصر..... ۸۴

رویکردها و مشرب‌های فکری حاکم در حوزه علمیه قم..... ۱۰۴

### فصل سوم: پژوهش دریافت: لوازم و محدودیت‌ها

مبانی روش‌شناختی پژوهش دریافت..... ۱۵۱

مصاحبه عمیق به‌عنوان تکنیک محوری جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش دریافت ۱۵۳

کدام روحانیون؛ چرا و چگونه؟..... ۱۵۷

کدام فیلم‌ها؛ چرا و چگونه؟..... ۱۶۴

محوربندی اجرای مصاحبه عمیق در میدان مطالعاتی «حوزه و روحانیت» ۱۶۷

لوازم و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش دریافت..... ۱۶۸

محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش دریافت در میدان مطالعاتی حوزه و روحانیت ۱۷۰

### فصل چهارم: ادراکات معنایی روحانیون از ژانر سینمای اجتماعی

ساختار موضوعی ارائه یافته‌های پژوهش..... ۱۷۵

رویکرد موضوعی پاسخگویان به تماشای فیلم..... ۱۷۶

خوانش تحلیلی و انتقادی پاسخگویان پیرامون متون فیلمیک..... ۱۸۲

### فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی یافته‌ها..... ۱۹۳

تفسیر یافته‌ها..... ۱۹۷

راهبردهای تفسیری اختصاصی در مشرب‌های مختلف روحانیت قم..... ۱۹۸

راهبردهای تفسیری عمومی (مشترک) در مشرب‌های مختلف روحانیت قم ۲۳۷

نتیجه‌گیری..... ۲۵۷

فهرست منابع..... ۲۶۵

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای

فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

محمد سلگی  
رئیس پژوهشگاه



## مقدمه

---

شاید بهترین نقطه برای آغاز سخن درباره این اثر، مروری کوتاه پیرامون سرچشمه‌ها و عوامل شکل‌گیری موضوع و مسئله نزد محققان باشد. احتمالاً برای اغلب خوانندگان مهم است که بدانند، چرا محققان این اثر به دنبال چنین موضوع خاص و نادری رفته‌اند. یقیناً پیش از هر چیز، این صبغه خانوادگی مذهبی و اعتبار و احترام نهاد مرجعیت و روحانیت در محیط تربیتی نویسندگان این اثر بوده است که مسئله دین و روحانیت را در شمار علایق و دغدغه‌های آنها قرار داده است. این دغدغه و تعلق خاطر شخصی نسبت به امور دین و روحانیت، وقتی برای محققان جدی تر شد که پا به عرصه مطالعات رسانه‌ای و علوم ارتباطی و اجتماعی گذاشتند. یقیناً این مسیر جدید، التفات بیشتری نسبت به نقش و جایگاه روحانیت به عنوان یک جریان سابقه‌دار و گروه اجتماعی مرجع در جامعه ایران به ارمغان آورده و منظر ژرف‌تری از شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روحانیت در جامعه امروز ایران، پیش روی محققان این اثر قرار داد. رخدادهای بسیار مؤثری که در همین مقطع تاریخی رقم خورده

بود و به طور همزمان هستی اجتماعی روحانیت را وارد مرحله جدید و کاملاً متمایزی ساخت، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و تحولات اجتماعی و فرهنگی حاصل از آن بود. وقوع انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های گفتمانی و نظام اندیشگانی ملازم آن - به عنوان یک گسل شگرف معرفت‌شناختی - موجب شد، نهاد دین و در رأس آن سازمان‌ها و تشکیلات مذهبی به‌ویژه حوزه و روحانیت، در قامت یکی از جریان‌های فعال و مؤثر فکری در عرصه تحلیل و ارزیابی مسائل فرهنگی و قالب‌های رسانه‌ای و هنری وارد شوند. در واقع، مهم‌ترین مسئله‌ای که طراحی و اجرای چنین پژوهشی را ضروری می‌سازد، همین جایگاه - معرفت‌شناختی و گفتمانی - دین در انقلاب اسلامی و شأن مفروض حوزه و روحانیت در حیطه مسائل فرهنگی و اجتماعی روز جامعه در دوران پس انقلاب است. اما این علاقه و تمایل روحانیت برای نظریه‌پردازی و نقش‌آفرینی پیرامون مسائل فرهنگی و اجتماعی روز جامعه، پرسش‌ها و ابهامات زیادی را در مورد معانی مورد نظر روحانیون پیرامون مسائل اجتماعی و فرهنگی و ریشه‌های نظری، گفتمانی و پدیدارشناختی معانی فوق به وجود آورده است. این در حالی است که، اغلب تحلیل‌ها و اظهارات این جریان نیرومند و تأثیرگذار دینی و فکری (حوزه و روحانیت)، به صورت پراکنده و جسته و گریخته و غالباً در محیط‌ها و فضاهاى ژورنالیستی منعکس شده است. در صورتی که داده‌ها و اطلاعات حاصل از روزنامه‌ها و سایر اشکال رسانه‌های جمعی، به لحاظ معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، فاقد اعتبار و عمق لازم و کافی بوده و برای شرح، بسط و واکاوی آراء و تحلیل‌های گوناگون جریان‌های مختلف حاضر در این نهاد دینی باسابقه، قابل ارجاع و بهره‌برداری علمی نخواهد بود.

افزون بر این، بروز تنوعات و تکثرات معرفتی و گفتمانی در حوزه و روحانیت قم در دو سه دهه اخیر سبب شده است که حوزه و روحانیت قم به نحله‌ها و مشرب‌های گوناگون سنتی، فلسفی، عرفانی، عقلانی و... تقسیم گردیده و دیگر قابل تقلیل و تعمیم به یک یا دو جریان خاص نباشد (فراتی، ۱۳۸۹ و طباطبایی فر، ۱۳۹۴). فلذا مواجهات معنایی روحانیت با متون رسانه‌ای نیز، دیگر به شکل محدود سابق نبوده و سویه‌های مبهم و نامعلوم متعددی پیدا کرده است.

از این رو، برخلاف دوران وحدت گفتمانی (نسبی) حوزه قم - که شرح بروزات تحلیلی روحانیت در برابر شرایط اجتماعی را سهل و میسر ساخته بود - حصول معانی و رویکردهای تفسیری هریک از مشرب‌های فکری و معرفتی روحانیت قم در دوران کنونی، تنها از رهگذر بررسی روشمند و میدانی نحوه مواجهه «جهان‌های معرفتی» روحانیت قم با بسترهای فرهنگی و اجتماعی روز جامعه از جمله متون رسانه‌ای قابل دسترسی است؛ چراکه تفاوت‌های معرفت‌شناختی و گفتمانی جریان‌ات مختلف روحانیت قم، خروجی و ماحصل آرای مشرب‌های فکری گوناگون روحانیت امروز قم پیرامون عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی روز را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و به اشکال متنوعی سامان می‌بخشد.

بر این اساس، کانونی‌ترین مسئله در زمینه و میدان امروز حوزه و روحانیت قم، آن است که تکثرات و تنوعات معرفتی و گفتمانی به‌وجودآمده در مشرب‌ها و جریان‌ات فکری روحانیت و حوزه علمیّه قم، هنگام مواجهه با متون فرهنگی و رسانه‌ای روز جامعه چه بروزات تحلیلی‌ای از خود به جا گذاشته و مواجهه معنایی طیف‌های گوناگون روحانیت با متون فرهنگی و رسانه‌ای به‌واسطه کدام علل و عوامل تحلیلی سامان می‌یابد؟

اما در میان تمامی رهیافت های نظری و روش شناختی مطرح در علوم ارتباطات و مطالعات رسانه ای، رهیافت مخاطب پژوهی - و مفروضات محوری آن یعنی مفاهیم مخاطب فعال و معناسازی مخاطب - بیشترین سنخیت و تطابق را با مسئله این پژوهش و جایگاه هویتی روحانیت در جامعه ایران دارد. زیرا همان طور که «استوارت هوور» (نظریه پرداز نامدار عرصه رسانه ها و دین) گفته است، «معناسازی دینی یکی از مولفه های اساسی درک معناسازی در عصر رسانه هاست» (هوور، ۱۳۸۸ الف: ۳۳).

در چارچوب این پارادایم، فهم دقیق آراء و ادراکات روحانیت پیرامون قالب های هنری و رسانه ای و مضامین فرهنگی و اجتماعی، متضمن مواجهه روحانیون با نمونه های ممتاز و برجسته ای از متون فرهنگی و اجتماعی روز جامعه است. در واقع، تنها در این صورت است که می توان از خلال استخراج و کشف معانی ای که روحانیون از متون رسانه ای خلق کرده اند، اشتراکات و تفاوت های جهان معرفتی جریانات مختلف فکری روحانیت را در مواجهه با مسائل اجتماعی روز جامعه ایران، به طور عمیق و روشمند توصیف و تحلیل نمود.

بنابراین، داده ها و نتایج حاصل از مواجهه جهان های معرفتی روحانیت با جهان معرفتی متون رسانه ای و معانی حاصل از آن، زمانی عمیق تر و کاربردی تر خواهد بود که متون رسانه ای مورد ادراک «گروه مخاطبان» این پژوهش، به لحاظ گونه ای (ژانری)، موضوعات و مسائل اجتماعی و فرهنگی روز جامعه ایران را پوشش دهد. بر این مبنای سینمای اجتماعی ایران در دوران بعد از انقلاب، به مثابه انعکاسی تقریبی از مسائل اجتماعی و فرهنگی روز جامعه ایران، یکی از مطلوب ترین متون رسانه ای برای بررسی و مطالعه در این پژوهش است.

اما از آنجایی که شناسایی دلایل و ریشه‌های معرفت‌شناختی خوانش روحانیون از فیلم‌های اجتماعی یکی از مسائل کلیدی این پژوهش است، بنابراین ساختار کتاب حاضر ماهیتی بین‌رشته‌ای و دوجهی پیدا می‌کند؛ لذا پیش از ورود به میدان عملی و اجرایی پژوهش، می‌بایست شناختی روشن و جامع از سویه‌های تاریخی، علمی و گفتمانی روحانیت قم فراهم آید. برای تحقق این منظور، لازم است مباحث نظری پژوهش را در دو عرصه جداگانه، یعنی دو حوزه «تفسیر متن» و «روحانیت»، مطالعه نمود. از این رو، در ساختار و فصل‌بندی کتاب، دو حوزه نظری فوق در قالب دو فصل مجزا بررسی و پی‌گرفته خواهد شد.

به این ترتیب، ابتدا در فصل نخست سنت نظری تفسیر متن و مطالعات دریافت، از زوایای گوناگون فلسفی، ادبی، ارتباطی و سینمایی مورد واکاوی قرار گرفته و سپس در فصل دوم، سیر تطورات تاریخی، علمی و گفتمانی حوزه و روحانیت قم مورد کنکاش و بررسی همه‌جانبه قرار می‌گیرد. در فصل سوم نیز، پیش زمینه‌ها، الزامات و اقتضائات روش‌شناختی پژوهش در این زمینه مطالعاتی به دقت تشریح‌گریده است. در ادامه، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های تحقیق با روحانیون، به صورت طبقه‌بندی‌شده و کدگذاری‌شده، ذیل فصل چهارم تشریح‌گردیده و سرانجام در فصل پنجم، ارائه جمع‌بندی، تفسیر و نتیجه‌گیری پیرامون یافته‌های به‌دست‌آمده در دستور کار قرار می‌گیرد.

امید است این اثر بتواند در مسیر فهم نسبت دین و ژانر سینمای اجتماعی، بصیرت‌های بدیعی برای تمامی ارکان و حلقه‌های موثر در عرصه فرهنگ و سینمای ایران همچون: «سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی، هنری و رسانه‌ای»، «حوزویان و متولیان دینی»، «فعالان و بدنه حرفه‌ای بخش سینما» و «پژوهشگران، دانشجویان

و تحلیلگران» (در زمینه‌هایی چون رسانه‌ها و دین، مطالعات فیلم، جامعه‌شناسی ارتباطات، جامعه‌شناسی معرفت و مسائل اجتماعی ایران) فراهم آورده و فضاهاى مرزبندی شده و جدا افتاده این گروه‌های تاثیرگذار را تا حد امکان به یکدیگر نزدیک نماید. یقیناً تنها در صورت آگاهی و درک متقابل از زیست جهان سایر نیروهای کلیدی حاضر در صحنه است که فاصله موجود میان «نهاد دین و روحانیت» و «نهاد رسانه و هنر» مرتفع گردیده و ایده همگرایی و هم‌افزایی نهادی میان دو نهاد یادشده محقق خواهد شد.

مهدی منتظر قائم - محمدجعفر اسفندیاری

## فصل اول: مبانی نظری تفسیر متن و مطالعات دریافت از رسانه‌های جمعی

### هرمنوتیک و تفسیر متن

زمینه‌های تاریخی پیدایش هرمنوتیک: از ماقبل روشنگری تا رمانتیسیسم

ریشه‌های کلمه hermeneutics در فعل یونانی «هرمینوین» نهفته است که به صورت‌های مختلفی در شمار معتابهی از متون برجای مانده از نویسندگان آشنای قدیم همچون افلاطون و ارسطو (ارغنون) دیده می‌شود. هرچند هرمنوتیک عموماً به «تأویل کردن» ترجمه می‌شود اما در استعمال قدیم در سه معنای اصلی شامل «بیان کردن»، «توضیح دادن» و «ترجمه کردن» به کار می‌رفته است (پالمر، ۱۳۸۹: ۱۹).

اما از آنجایی که متن و نوشتار همواره در سایه شرح و تفسیر قابل فهم و درک می‌شوند، سابقه «تفسیر» متن نیز به آغاز نوشتار

و عصر کتابت بازمی‌گردد. در عین حال به این علت که در میان متون نوشتاری گوناگون، «کتب مقدس» منشأ و ریشه کلیه اصول و دستورات دینی ادیان مختلف بوده‌اند، موضوع تفسیر بیشتر مورد توجه شارحان و لغت‌شناسان واقع شده است.

بنابراین «عالمان یهودی، مسیحی و مسلمان» یکی از نخستین گروه‌هایی بوده‌اند که پیوسته به تفسیر متون دینی خود مشغول بوده‌اند. به طوری که در قرون وسطا و حاکمیت کلیسای مسیحی، علاوه بر متون مقدس، حتی ادبیات کلاسیک و سایر آثار غیردینی نیز در چارچوب آموزه‌های کلیسا تفسیر می‌شد و بر طبق معانی واقعی خویش فهمیده نمی‌شد (واعظی، ۱۳۸۶: ۷۰).

با آغاز نهضت اصلاح دینی (به رهبری مارتین لوتر) و امتناع پروتستان‌های آلمان و دیگر نقاط اروپا از مرجعیت کلیسای رم، مقوله تفسیر و فهم کتاب مقدس نیز دستخوش تغییر و تحولات متعددی گردید، به طوری که پروتستان‌ها از تفسیر رسمی و سنتی کلیسا از کتاب مقدس به تدریج روی گردانده و قواعد جدیدی برای تفسیر کتاب مقدس، در قالب رساله‌ها و مکتوبات مستقل تنظیم و تنقیح نمودند. به این ترتیب، پس از رنسانس و تضعیف مرجعیت و نفوذ کلیسای رسمی مسیحی، به منظور رهایی متون مقدس و ادبیات کلاسیک از سیطره سنت کلیسایی، دو حرکت همسو در حوزه الهیات و لغت‌شناسی آغاز شد.

در این میان در حالی که تا قرن هفدهم عنوان هرمنوتیک به طور پراکنده و تنها در برخی مباحث لغت‌شناسی و آثار برخی کشیشان نهضت اصلاح دینی به کار رفته بود، دان هایر<sup>۱</sup> نخستین کسی بود که در اواسط قرن هفده میلادی، واژه هرمنوتیک را در عنوان کتابش، یعنی هرمنوتیک قدسی<sup>۲</sup> (روش تفسیر متون

1. Dann Haur

2. Hermeneutica Sacra



مقدس) گنجانند و هرمنوتیک را شاخه‌ای از علوم منطقی قلمداد نمود؛ لذا قدیم‌ترین و شایع‌ترین فهم از کلمه «هرمنوتیک»، به اصول تأویل کتاب مقدس اشاره دارد (پالمر، ۱۳۸۹: ۴۲).

هم‌زمانی تألیف کتاب دان هایر - که ماهیت هرمنوتیکی نهضت اصلاح دینی را مورد واکاوی قرار داده بود - با آغاز جریان روشنگری اروپا موجب گردید که به دنبال نهضت اصلاح دینی، نزول مرجعیت کلیسا شتاب بیشتری بگیرد و اصل خرد روشنگری، آموزه‌های سنتی کلیسا را مورد چالش جدی قرار دهد. به‌طوری‌که مبانی مشروعیت معرفت در تفسیر کلیسایی از متون مقدس مورد پرسش اساسی قرار گرفته و «چرایی اعتبار یک قرائت خاص» مورد بحث و بررسی فیلسوفان عصر روشنگری قرار گیرد (شِرت، ۱۳۹۰: ۸۲).

مقصود فیلسوفان عصر روشنگری از تفسیر، هیچ‌گاه مرادف با فهم متن نبوده است، بلکه کاربرد هرمنوتیک به‌مثابه منطق و روش تفسیر را تنها منحصر به متن‌های دشواریاب و ابهام دار می‌دانستند. ازاین‌رو، بیشترین اهتمام فیلسوفان روشنگری علاقه‌مند به موضوع هرمنوتیک و تفسیر متن - همچون کریستین وولف، کلادینیوس و فردریک می‌یر، صرف پرداختن به صدق تأویل معانی و نقاط ابهام و گره‌های کور متون گشته و درنهایت نیز به دنبال کشف نظریه‌ای عام، عینی و عملی برای تأویل متون ادبی و اعتقادی بوده‌اند.

اما در میان فیلسوفان هرمنوتیک روشنگری تنها کلادینیوس بود که با طرح و شرح مفهوم «منظر یا دیدگاه» پیرامون موضع نظری مفسر (شِرت، ۱۳۹۰: ۸۷) - برای نخستین بار - به مسئله امکان دخالت چشم‌انداز مفسر در امر تفسیر پرداخت. هرچند او هرگز به نسبی‌گرایی در فهم متن اعتقاد پیدا نکرد

(واعظی، ۱۳۸۶: ۷۰)، اما به دنبال وی و پس از تشکیکات فلسفی هیوم و منتسکیو بر مسلمات سنت خردورزی عصر روشنگری، آرام‌آرام زمینه برای اعراض و روی‌گردانی برخی از متفکران برجسته آلمانی - که در آن مقطع، فضای محزون و زهدورزانه متأثر از جنگ و تباهی آلمان مقابل فرانسه را تجربه می‌کردند - از مفروضات خردورزی فراهم گردید (برلین، ۱۳۹۰: ۷۰).

به این ترتیب در فاصله کمتر از یک قرن از دوران اوج عصر روشنگری، گروهی از متفکران و هنرمندان تحت عنوان «ضد روشنگران» پدید آمدند که خرد را محدودکننده و سرکوبگر روح آدمی دانسته و بر عناصر و مؤلفه‌هایی ورای خرد جهان‌شمول و عقل سلیم از قبیل هنر، شور، هیجان، تخیل، معنویت، تحرک و فردیت تأکید می‌کردند. تا جایی که به تعبیر آیزایا برلین، به تدریج «چرخشی سریع به سوی احساسات» و «اشتیاقی ناگهانی برای نامتناهی» را در فضای فکری آلمان و اروپای قرن نوزدهم پدید آوردند (همان: ۳۸).

اما یکی از مهم‌ترین شکاف‌های نظری متفکران رمانتیک با جریان خردورزی عصر روشنگری بر سرگرایش غالب عصر روشنگری به کلیت‌بخشی و عام‌گرایی بود، امری که فردیت و منحصربه‌فردی مورد تأکید رمانتیسیسم را به کلی نادیده می‌گرفت. این مسئله در دیگر زمینه‌های فکری و فلسفی متأثر از نهضت رمانتیسیسم نیز تحولاتی رقم زد که هرمنوتیک و تفسیر متن نیز از آن مصون نماند. به طوری که «فردیت» و «احوال درونی» به عنوان ارکان بدیع و مهمی در تأویل متن مورد توجه قرار گرفته و داوری متن صرفاً بر مبنای اصول اعتقادات دینی یا خرد از رونق سابق افتاد (شِرت، ۱۳۹۰: ۹۰).

### هرمنوتیک مدرن؛ شلایرماخر و دیلتای

به این ترتیب، با غلبه و گسترش جنبش رمانتیسیسم در فضای فکری اروپای قرن هجدهم، ماهیت فردگرایانه مباحث تفسیری در عصر اصلاح دینی و عصر روشنگری، شتاب و نضج مفهومی عمیقی پیدا نمود، به طوری که با ورود فردریک شلایرماخر<sup>۱</sup> - یکی از برجسته‌ترین اعضای حلقه رمانتیک‌های اولیه - به مباحث هرمنوتیکی و تفسیری، مبدائی گردید برای شروع حیات هرمنوتیک مدرن.

اما ماهیت رمانتیک و شورمندانه نظام فکری شلایرماخر باعث شد هرمنوتیک و تفسیر متن، برای اولین بار به جای دنبال کردن حقیقت مطلق، متوجه مسائل مربوط به «خلاقیت فردی» مؤلف گردد. به طوری که دغدغه فهم مقصود نویسنده، به تدریج جای پرسش پیرامون صدق و کذب عینی گفته‌ها را گرفت و به دنبال آن، شلایرماخر «بازسازی»<sup>۲</sup> و «بازتولید»<sup>۳</sup> ذهنیت و فردیت مؤلف در زمان خلق اثر را به عنوان مهم‌ترین رکن در تفسیر متن مطرح گردانید و تحقق این امر را مشروط به طی دو مرحله اصلی در فرایند تفسیر متن دانست؛ نخست «تفسیر لفظی و دستوری» و دوم «تفسیر روان‌شناختی» (شِرت، ۱۳۹۰).

شلایرماخر مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تفسیر لفظی و دستوری متن را اشراف و وقوف بر سبک خاص مؤلف (در مجموعه آثارش)، بستر ادبی، ژانری، تاریخی (و اجتماعی) متن در زمان خلق آن و از همه مهم‌تر، «ارزیابی ساختار درونی متن» می‌داند. مؤلفه‌ای که ما را به ضرورت ارجاع و بازگشت مستمر مفسر میان کل و اجزای متن سوق داده و تعبیر بدیع و ماندگار

1. Friedrich Schleiermacher

2. reconstruction

3. reproduce

شلایرماخر از این مسئله، یعنی «حلقوی بودن فهم» را ملموس و قابل درک می‌نماید (واعظی، ۱۳۸۶: ۹۳؛ سرت، ۱۳۹۰: ۹۲). شلایرماخر همچنین تفسیر روان‌شناختی متن را به معنای نوعی همدلی و هم‌ذات‌پنداری با مؤلف و شهود مقصود مدنظر وی از متن تعریف می‌کند. یعنی «خواننده باید خود را به جای مؤلف بگذارد و سپس تلاش کند تجربیات مؤلف را دوباره تجربه کند و همان‌گونه فکر و احساس کند که او فکر و احساس می‌کرده است» (سرت، ۱۳۹۰: ۹۴)؛ موضوعی که طبیعتاً تنها با آگاهی از شرح حال شخصی، جزئیات زندگی و معانی زبانی (فرهنگی) مؤلف امکان‌پذیر می‌گردد.

در این میان، مرحله تفسیر لفظی و دستوری یکی از مهم‌ترین نقاط موضوعیت آرای شلایرماخر در این پژوهش است؛ چراکه در تمامی فرایندهای دریافت و خوانش فیلم، مهارت‌ها و مؤلفه‌های تحلیل فیلم مخاطب همواره نقشی کلیدی ایفا می‌کند. افزون بر این، مرحله تفسیر روان‌شناختی متن نیز از رهگذر بررسی نقش شناخت و آگاهی‌های قبلی مفسر (از مؤلف) در نحوه انتخاب و قرائت فیلم، در پژوهش پیش رو مدخلیت نظری داشته است. اما با وجود مشروط خواندن فهم و تفسیر متن به مؤلفه‌ها و وجوه‌گوناگون فردی و اجتماعی مؤلف (تفسیر مؤلف‌محور)، شلایرماخر بنیان مشترک «انسانی» در تمامی اشکال فهم و آگاهی را مهم‌ترین امکان‌گریز از مجاری سوءفهم، وصول به فهم عینی (واحد) و مطابقت فهم مفسر با معنای واقعی متن دانسته و تأویل صحیح را تأویلی می‌داند که تمامی عناصر متفاوت آن در «نتیجه‌ای واحد» گرد هم آمده تا معنایی واحد را به دست دهند. لذا «شلایرماخر به صراحت فرض متن چندمعنایی را رد کرده است» (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲۶).

ویلهلم دیلتای<sup>۱</sup> دومین متفکر برجستهٔ رمانتیکی بود که تحت تأثیر افکار و آرای شلایرماخر، سهم عمده‌ای در توسعه و تکوین مباحث هرمنوتیک مدرن در قرن نوزدهم داشته و در تکمیل مباحث و مفاهیم شلایرماخر، ترکیبی از اومانیسزم و توجه ضد روشنگرانه به تخیل را به‌عنوان هستهٔ اصلی هرمنوتیک خود تبیین نمود.

دیلتای نخست با تأکید بر مفهوم نوع مشترک انسانی (مورد اشاره در آرای شلایرماخر)، به‌عنوان مهم‌ترین رکن امکانی در درک و تفسیر افکار، مقاصد و ذهنیات مؤلف، موضع عینی‌گرایانه و مؤلف‌محور خود در هرمنوتیک و تفسیر متن را تصریح نمود و سپس با بسط مفهوم اشتراک نوع انسانی به‌کل ساحت «تجربیات ذهنی و عینی آدمی»، تجربهٔ حیاتی هر انسانی را که در رفتارها، گفتارها و آفرینش‌های وی تجلی یافته، مهم‌ترین عامل امکانی درک و سهم شدن در تجربهٔ حیات دیگران دانست.

دیلتای بر آن بود که اشتراک مفسر و خالق اثر در حیطهٔ تجارب حیاتی، تجارب فوق را برای ایشان معنادار می‌سازد و امکان درک و فهم بین‌الذهانی را پدید می‌آورد. ازاین‌رو، برای بازسازی عینی حالت، وضعیت و تجربه‌ای که فاعل در زمان انجام فعل داشته است، اصولی را با عنوان «مقولات [مشترک] حیات» صورت‌بندی نمود تا «به مدد آن، سامان‌دهی تجارب حیاتی ممکن شود» (کالین، به نقل از واعظی، ۱۳۸۶).

درعین‌حال دیلتای - همچون شلایرماخر - تحقق این «همدلی»<sup>۲</sup> و «بازآفرینی»<sup>۳</sup> و درک بین‌الذهانی از مقولات حیات - از قبیل اراده، اهداف، آرزوها، ارزش‌ها و... - را مستلزم اشراف خواننده یا مفسر بر سه شاخص عمده می‌دانست: ۱. فرایندهای

1. Wilhelm Dilthey

2. empathising

3. recreating